

❖ جمع بندی:

با توجه به اینکه:

۱. رقص در میان ملل مختلف بسیار شایع بوده است (تا جاییکه تا پیش از ۵ هزار سال قبل آن را تاریخ آورده اند) و چنانکه جواد علی می نویسد: اعراب قبل از اسلام در مجالس عروسی و شادی می رقصیده اند.^۱
- وی می نویسد که از اوزان شعری عربی، بحر هَزَج، بحری بوده است که اعراب با آن می رقصیده اند.^۲ وی اضافه می کند که اهل حبشه بسیار رقص را دوست داشته اند و اهل حجاز در جشن هایشان آنها را می آورده اند.
- رقص در میان اعراب شایع بوده است و نشانگر شادی و شکرگزاری در پیشگاه خدایان بوده است.^۳ البته جواد علی تأکید می کند که اطلاع ما از این امور کم است.^۴
۲. از صدر اسلام تا دوران غیبت، این ملل به سرزمین های اسلامی وارد شده اند و با فرهنگ های مختلف در این جوامع زندگی کرده اند. مسلمانان نیز به آن مناطق رفته اند.
۳. با این حال: تنها یک روایت از امام صادق در این باره وارد شده است که مشتمل بر نهی پیامبر است، البته یک روایت هم از طریق اهل سنت مبنی بر جواز وارد شده است.
۴. روایت بحار نیز دال بر جواز به صورت مطلق نیست بلکه دال بر جواز این امور در تربیت کودکان است.
۵. اما با توجه به «نی و طبل» که در روایت پیامبر وارد شده است مربوط به جنگ ها است و با توجه به اینکه در آئین اعراب جاهلی، رقص شمشیر قبل از جنگ ها رایج بوده است، ممکن است پیامبر از این آداب در جنگ ها نهی کرده باشند، اما این احتمال صرفاً یک احتمال خام است. (اگرچه ممکن است بتوان آن را مطرح کرد و گفت اعراب دو نوع رقص در جنگ ها داشته اند، یکی همراه

۱. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۹، ص ۱۲۱.

۲. همان.

۳. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۹، ص ۱۲۱.

۴. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۹، ص ۱۲۱.





با طبل و نی و یکی هم بدون آن، و لذا روایت از آن نوع خاص - که به صورت مجموعی روایت را معنی می کند - نهی کرده است)

کما اینکه حمل روایت بر اینکه بگوئیم مراد «رقص مردان به صورت زنانه» است، حمل بدون دلیل است، اگرچه ممکن است بتوان از کلام زمخشری بر آن شاهی را استخراج کرد. زمخشری در اساس البلاغه می نویسد: «رَقَصَ الْمُخْتَّثُ وَ الصَّوْفِيُّ رَقْصاً»^۱ و این به آن معنی است که گویی رقص دو فاعل بیشتر ندارد. زمخشری همین مطلب را در معنی «زفن» هم وارد کرده است، این در حالی است که دیگران «زفن» را چنین معنی نکرده اند.

۶. مسئله بسیار مورد شبهه است چراکه از یک سو کثرت ابتلاء، با وجود یک روایت در میان شیعه و سنی سازگار نیست و از یک سو روایت سکونی، سنداً و دلالتاً تمام است.

۷. اما در مورد هر یک از زوجین برای یکدیگر، ادله استماعات عامه زوجین از یکدیگر، می تواند باعث تحلیل شود چراکه روایت سماعه و ادله مجوزه، عامین من وجه هستند و لذا در فرض تعارض، به سراغ اصل برائت می توان رفت. این مطلب از مرحوم گلپایگانی نقل شده است.^۲ اما در این مورد همان اشکال امام - که می فرمودند فقه جدید را پدید می آورد - که در بحث غنا مطرح کردیم، وارد است.

۸. اما مخالفت با وقار یا ترتب مفاسد دیگر طبیعی است که حکم را در مرتبه حکم ثانوی، تعیین می کند.^۳ به این معنی که اگر حکمی هم به سبب این امور بر رقص مترتب باشد از این باب آن است که

۱. ص ۲۸۹.

۲. مبانی فقهی حکومت اسلامی، ج ۸، ص ۳۷۳.

۳. ممکن است که بتوان از برخی شواهد تاریخی، قرائنی را استفاده کرد و گفت که «زفن» در کلام پیامبر، اشاره به نوعی خاص از رقص بوده است به عنوان مثال: جشن پوریم یکی از سنت های قدیمی قوم یهود است که در ۱۴ ماه (آدار) برگزار می شود. قرار بود بر اساس توطئه ای که هامان وزیر خشایار شاه طراحی کرده بود یهودیان قتل عام شوند که استر ملکه ایرانیان از موضوع مطلع می شود و با کمک عموی خود مردخای یهودیان را از این واقعه نجات می دهند [کتاب یهودیت، ص ۱۹۹، محمد حسن طاهری آکردی راشد، مرکز بین المللی ترجم و نشر المصطفی]

در این جشن یهودیان رقص و پایکوبی دارند و مکلف به خوردن شراب هستند به حدی که تفاوت میان نفرین برهامان و درود بر مردخای را تشخیص ندهند [بیانیه تلمود بخشی از قطعه تفلیس «megillah»]





رقص مصداق این امور شده است و طبیعی است که باید از آن جهت هم از حیث کبری و هم از حیث صغری مورد بحث قرار گیرد.

۹. نکته آخر اینکه ممکن است با توجه به سخن جواد علی «زفن» در کلام پیامبر را بر معنایی دیگر حمل کنیم، به این صورت که نهی پیامبر را ناظر به این سنت عربی بدانیم:

«وقد كان الرقص عند الشعوب السامية نوعاً من أنواع التعبير عن الفرح والشكر تجاه آلهتهم. ويدخل في جملة الشعائر الدينية. ولا يستبعد أن يكون الجاهليون مثل غيرهم قد رقصوا لآلهتهم في المناسبات الدينية، تعبيراً عن شكرهم للآلهة.

ولكن معارفنا عن ذلك قليلة جداً، فلا نجد في الكتابات الجاهلية أية إشارة إليه، أما أخبار أهل الأخبار عن الرقص عند الجاهليين، فهي قليلة. ولا أستبعد أن يكون السعي بين الصفا والمروة كان رقصاً في الأصل فكان الساعون يرقصون ويغنون أغاني دينية، في تمجيد رب البيت والتقرب إليه. كما كانوا يرقصون في المعابد الأخرى.»^۱

«والدين هو إيمان وعمل: إيمان بوجود قوى هي فوق طاقة البشر، لها تأثير في حياته وفي مقدراته، وعمل في أداء طقوس معينة تعين شكلها الأديان للتقرب إلى الآلهة ولاسترضائها. والإيمان هو قبل العمل بالطبع، فلا بد للقيام بالشعائر، أو بأداء العمل، من وجود إيمان عند الشخص أو الأشخاص بوجود إله أو آلهة. حتى يقوم بعمل ديني فالعمل تابع للإيمان، ونتيجة من نتائجه، وهو شعاره ومظهره. وهو أبرز عند الأقوام البدائية من الإيمان لدرجة عقليتها ومجال تفكيرها الضيق. ومن العمل: الرقص، والأفراح الدينية، والسحر، والقرايين، والحج، والصلوات.»^۲

۱۰. اگر این مطلب را پذیرفتیم، می توان گفت هر گاه رقص نقش عبادت به خود گیرد (همانند رقص های صوفیه) مشمول نهی پیامبر است و اساساً نهی پیامبر ناظر به این نوع خاص از رقص است. (البته اطمینان به این امر مشکل است)

رقص مذکور هم به این شکل بوده است که افراد با گرفتن دست یکدیگر و حلقه ای تشکیل می دهند و با پای چپ به سمت جلو رفته و سپس با پای راست به جلوی می روند این رقص در بین یهودیان خاورمیانه معروف است [سایت انجمن کلیمان ایران] برخی آوانگاری یکسان کلمه «رقد» در زبان عبری (به معنای رقص) با «زفن» در عربی را شاهی برای این مطلب دانسته اند. فتأمل.

۱. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۹، ص ۱۲۲.

۲. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۱۱، ص ۲۸.





نکته:

آیا می توان از اطلاق روایت سکونی (اگر گفتیم دال بر حرمت رقص به معنای معروف است و ناظر به حرمت عبادت بت ها نیست) در پاسخ به نظر می رسد اگرچه اطلاق «زفن» چنین امری را اقتضا می کند ولی با توجه به اینکه در آن روزگار، «رقص های» خاصی رایج بوده است، ممکن است قدر متیقن در مقام مخاطب را به عنوان قرینه حالیه برای این امر بگیریم.

ان قلت: چنین امری در مورد همه اطلاقات صادره از پیامبر و ائمه قابل فرض است.

قلت: مطلقاً دو گونه هستند، برخی بر مصادیقی صدق می کنند که چندان تفاوت با یکدیگر ندارند ولی برخی از مطلقاً، دارای مصادیقی هستند که بسیار با هم فرق دارند.

توجه شود که سخن ما در مفاهیم مشکک نیست بلکه در همان مفاهیم متواطی هم وقتی تغایر مصادیق بسیار زیاد باشد به گونه ای که به جز صدق عنوان، عرفاً یکسان بودن آنها پذیرفته نیست، قدر متیقن در مقام مخاطب، مانع از اطلاق می شود.

شاید همین مطلب باعث شده است که بسیاری از فقها در حرمت رقص به صورت مطلق توقف کرده اند از این جهت ایشان مرحوم صاحب عروه است که رقص در صلوة را از آن جهت که «محو کننده صورت نماز است» مبطل صلوة دانسته اند در حالیکه اگر رقص حرام بود، به سبب ایجاد حرام در صلوة مبطل صلوة می شد.^۱

خاتمه: [ضمیمه ادله تحریم]

عوالی اللئالی روایتی را از پیامبر نقل می کند که می تواند از ادله تحریم باشد.

«عوالی اللآلی: عن رسول الله (صلى الله عليه وآله)، أنه نهى عن الضرب بالدف والرقص وعن

اللعب كله، وعن حضوره، وعن الاستماع إليه، ولم يجز ضرب الدف إلا فى الاملاك والدخول،

بشرط أن يكون فى البكر، ولا يدخل الرجال عليهن.»^۲

املاک (یا ملاک): عقد و تزویج

۱. العروه الوثقی، ج ۳، ص ۳۰.

۲. مستدرک، ج ۱۳، ص ۲۱۸.



دخول: زفاف

ما می گوئیم:

۱. لعب در روایت اگر به معنای هر گونه لهو باشد، نمی تواند دال بر حرمت باشد چراکه بالضروره هر نوع لهو حرام نیست و اگر بخواهیم آن را مختص لهو حرام بدانیم، تخصیص اکثر لازم می آید، ولی اگر گفتیم «لعب» به معنای «رقص» است، دال بر حرمت مطلق رقص است.
۲. اما روایت دارای سند نیست، مرسله است.



دین خارج فقه ائمه اربعین

